

نمادشناسی نقش‌مایه «دیو» در نگاره‌های صنایع الملک از نسخه خطی «هزار و یک شب» کاخ گلستان

چکیده

کتاب «هزار و یک‌شب» عبد اللطیف طسوجی یا «هزار افسان» از متون کهن پهلوی است که پس از اسلام به عربی ترجمه و با افزودن افسانه‌هایی به آن، با نام عربی «الف لیله و لیله» شناخته شد. این کتاب توسط ابوالحسن غفاری ملقب به (صنیع الملک) تصویرگری شده است. کتاب هم در روایت داستانی و هم در تصویرگری‌ها دربرگیرنده ویژگی‌های نمادین در بافت روایت‌هاست. پژوهش پیش‌رو با کاربست روش آیکونوگرافی در یک تحقیق توصیفی-تحلیلی به بررسی ویژگی‌های ظاهری و فراواقعی دیوها در داستان‌های هزار و یک‌شب و میزان وفاداری تصویرگر کتاب به متن می‌پردازد. در این راستا پس از شناسایی ویژگی‌های ظاهری و فراواقعی دیوها در نمونه‌های تصویری و داستانی به تطبیق و دسته‌بندی آنها خواهیم پرداخت؛ سپس ارتباط بیانی میان ویژگی‌های فراواقعی دیوها و خصوصیات رفتاری دیوها را در چهارچوب مبانی نظری تحقیق بررسی کنیم. همچنین برآنیم تا با استناد به شواهد تصویری و کلامی به ارزش‌گذاری (مثبت و منفی) دیو بر اساس شناسایی نمادین آنها بپردازیم. نتایج تحقیق نشان می‌دهد؛ دیو، غول، عفريت و اجنه و پریان همه از یک خانواده محسوب می‌شوند و بنا بر موقعیت‌های مختلف جایگاه آنها تغییر می‌کند. ظاهر این موجودات در هیچ روایتی ویژگی‌های یکسان ندارد؛ این موجودات افسانه‌ای قابلیت تغییر چهره دارند.

کلید واژه‌ها: دیو (غول)، عفريت، کتاب هزار و یک شب (الف لیله و لیله)، تصویرسازی، آیکون نگاری (آیکونوگرافی)، نماد شناسی.

مجله نشر فرهنگ‌های زیبا

۱. مقدمه

دیو، موجود عجیب و فراواقعی است که وصف آنها در بسیاری از داستان‌ها و افسانه‌ها نسل به نسل و سینه به سینه نقل شده است. داستان‌هایی که توسط نویسندگان و شعرای بزرگ ایران به رشته تحریر در آمده اند و در برخی مواقع، نقالان با اغراق و افزودن تخیلاتشان به آنها، موجب ماندگاری آنها در طول تاریخ شده اند. در اکثر نوشته‌های تاریخی دیوها، موجوداتی درشت اندام، با شاخ‌هایی بلند و دندان‌های تیز بیرون زده از فک، و با رنگ‌های تیره توصیف شده اند. موجوداتی که در طی تاریخ از مقام خدایی تنزیل یافته اند و بعد ها به شکل موجوداتی پلید درآمده‌اند. این موجودات معمولاً با چند ویژگی (کنش) تکراری توصیف می‌شوند؛ ویژگی‌هایی که ممکن است در برخی از آنها مشترک نباشد. بیشترین ویژگی (کنش)‌هایی که برای این موجودات نامتعارف برشمرده اند عبارتند از: شکل و شمایل عجیب و ترسناک و قدرت زیاد؛ آدم ربایی و علاقه زیاد به خوردن خون و گوشت انسان؛ در باورهای بعضی ادیان، این موجودات در دوزخ ارواح مردگان بدکار را شکنجه می‌دهند؛ و از اشیاء جادویی و یا با ارزش نگهداری می‌کنند (تاواراتانی، ۱۳۹۳، ۸-۹). در حالی که در نمونه‌های ایران باستان، آفرینش دیوان و موجودات اهریمنی به وضوح آفرینش مینوی اورمزد و موجودات اهورایی، در اوستا و کتاب‌های پهلوی توصیف نشده است. از برخی از این دیوها تنها نامی باقی مانده که اطلاعات بیشتری را به همراه ندارد و تنها می‌توان گفت همانطور که بدی در مقابل خوبی است، اهریمن در برابر اورمزد و سپندمینو قرار می‌گیرد و برای هر کدام از امشاسپندان و ایزدان هم‌اورد یا رقیبی از قلمرو اهریمن است؛ اما با توصیفات بسیار کم و مبهم. این موجودات بد در قلمرو اهریمن خود شامل دسته‌های زیرین هستند و مانند ایزدان سلسله مراتب دارند و از نظر اهمیت و قدرت عمل در مقام‌های بالا و پایین قرار می‌گیرند. دیوان دوران مینوی شامل سردیوان که سرکردگان دیوان هستند؛ دیوان و دروجان که جلوه همه زشتی‌ها و پلیدی‌ها هستند و علاوه بر این دیوان در دوران مینوی، دیوانی که در رویدادهای زمینی نقش دارند و پری‌ها در دوران گیتی در ایران باستان قابل ذکر است (آموزگار، ۱۳۸۹، ۳۷-۴۳).

در این مقاله، پس از گردآوری نتایج تحقیقات پیشین پیرامون مورد مطالعه این پژوهش، به نمادشناسی «دیو»ها در روایت‌های هزار و یک شب می‌پردازیم. در این راستا، به طبقه‌بندی و تطبیق ویژگی‌های ظاهری و کارکرد دیوها در متن روایت‌های نسخه خطی «هزار و یک شب» کتابخانه گلستان، تنها نسخه خطی مصور ترجمه فارسی از کتاب «الف لیله و لیله» به زبان عربی و نگاره‌های باقی مانده مرتبط با این روایت‌ها پرداختیم و کوشیدیم با کاربست روش آیکونوگرافی وجه نمادین مشترک میان داستان‌ها، تمثیل‌ها و تاریخ تصاویر مرتبط را شناسایی و این شخصیت را در فرهنگ ایرانی-اسلامی نمادشناسی کنیم.

۲. روش پژوهش

راه‌های بسیاری برای پیوند یک اثر به تاریخ وجود دارد که شامل عناصر گوناگون از دورانی است که اثر هنری در آن به وجود آمده است. یکی از این راه‌ها، تحلیل آیکونوگرافیک اثر هنری است که بر آن ادعا است تا معنای اثر هنری را در زمان خلق آن تثبیت کند. تحلیل آیکونوگرافیک همواره وابسته به گردآوردن شواهد و مدارکی است که سبب بازسازی این معانی می‌شود. به کارگیری روش آیکونوگرافی در حوزه‌ی تاریخ هنر و نمادشناسی، حاصل پی‌گیری پژوهش‌های قابل ملاحظه‌ای در منابع دست اول و منابع زبانی و یا ارجاعات موردی به منابع دست دوم و موثق را در بر می‌گیرد. اروین پانوفسکی تأثیرگذارترین مورخ هنر در قرن بیستم است که توانست این روش را در قالب روشی سه گانه در آورد. مطابق با آن چه در این ساختار سه بخشی در تحلیل اثر هنری آمده؛ سطح اول شامل شناخت فرم‌های اولیه و نواب است که معنای اولیه نامیده می‌شود. سطح دوم یا معنای ثانویه که نقش‌مایه‌های هنری را با متون و مفاهیم پیوند می‌دهد و در سطح سوم که به تفسیر ارزش‌های نمادین پرداخته می‌شود، معنای واقعی یا محتوایی نام دارد.

اهمیت محتوایی اثر هنری در نتیجه‌ی پژوهش پانوفسکی به همان میزانی است که به کیفیت فرمی آن پرداخته شده است. این ویژگی، او را برای گسترش نظریه‌ی خود بر پایه‌ی کیفیات فرمی ذاتی اثر هنری که در آن قواعدی نظام‌مند پیوند دهنده‌ی فرم و محتوا هستند، هدایت کرد (صرامی، ۱۳۹۳، ۱۰-۱۲).

آیکون‌نگاری (آیکونوگرافی) و آیکون‌شناسی (آیکونولوژی) روش‌هایی هستند که امروزه در تاریخ هنر به ابعاد گسترده‌ی معنایی آثار هنری می‌پردازند. این دو گرچه از لحاظ نظری تفاوت‌هایی باهم دارند اما در اجرای پژوهش درباره معنای اثر هنری اغلب باهم تلاقی می‌کنند و نمی‌توان مرز مشخصی برای آن‌ها قائل شد. نگاره‌ها سوای باز نمود افراد، حالت‌ها، رویدادها، نمادها و تمثیل‌های بسیار کهن را با خود حمل می‌کنند که برای فهم معنایی آنها نیاز به شناخت تاریخ فرهنگی و فرهنگ داریم. آیکون‌نگاری از آغاز قرن بیستم این وظیفه علمی را در حوزه‌ی تاریخ هنر بر عهده گرفته است تا با استناد به منابع نوشتاری موضوع بازنمایی شده در آثار هنری را شناسایی و تحلیل کند (مختاریان و صرامی، ۱۳۹۵، ۵۴).

پانوفسکی، در ارائه تفسیر آیکون‌شناسی خود، برای رسیدن به معنای محتوایی - تاریخی تصویر ساختار سه تایی و سلسله مراتبی را به کار گرفته بود: «در مرتبه‌ی اول، تجربه‌ی عملی (شناخت رویدادها و ابژه‌ها)، در مرتبه دوم تشخیص تفاوت‌های بیانی و کشف موضوع یا مضمون تصویر و در نهایت شناخت گرایش‌ها و تمایلات ذهن انسان قرار داشت (مختاریان و صرامی، ۱۳۹۵، ۵۴؛ Hart, 1993, 534-535).

در این پژوهش در راستای نمادشناسی نقش مایه «دیو» در نگاره‌های نسخه خطی «هزار و یک شب» کتابخانه گلستان کوشیده می‌شود؛ که با به کارگیری روش آیکونوگرافی در تحلیل محتوای اثر هنری، گامی به درک و تفسیر اثر هنری - تجسمی نزدیک شویم. شایان ذکر است که ماهیت این روش در تحقیقات کیفی توصیفی - تحلیلی است و روش گردآوری داده‌های این پژوهش روش کتابخانه‌ای است. داده‌های تصویری مورد پژوهش این مقاله نیز از تصاویر نسخه هزار و یک شب در آرشیو کتابخانه گلستان انتخاب شده است.

۳. تاریخچه و پیشینه پژوهش

آنچه مسلم است، تکرار بن مایه‌های مشابه در ادبیات عامیانه با به کارگیری عناصر و نقش مایه‌های مشابه با هدفی همراه بوده است. یکی از این شخصیت‌های پرتکرار در داستان‌های عامیانه ایرانی «دیو» است. این موجود از دسته موجودات عجیب و غریب شامل غول، دیوان، پریان، عفريت، اجنه و ... که بر اساس خاستگاه روایت یعنی جامعه ایرانی، پس از تحولات زردشتی، مذموم معرفی شده است؛ گرچه برخی جنبه‌های مثبت آن‌ها که متعلق به جامعه هند و ایرانی است، در بخشی از ادبیات عامیانه حفظ شده است. در این بخش می‌کوشیم ضمن مرور تاریخچه کتاب «هزار و یک شب»، به بررسی نتایج پژوهش‌های پیشین درباره ویژگی‌های ظاهری و کارکرد موجودات عجیب و غریب، به ویژه دیوها، در تصویرسازی‌های کلامی و نگاره‌های بصری بپردازیم.

۳-۱. نسخه خطی «هزار و یک شب» کتابخانه گلستان

نسخه خطی «هزار و یک شب» کتابخانه گلستان، تنها نسخه خطی مصور ترجمه فارسی کتاب «الف لیله و لیله» به زبان عربی است. این نسخه از کتاب «هزار و یک شب» پرنگاره‌ترین نسخه خطی فارسی به‌شمار می‌رود. این نسخه دارای ۳۶۵۵ نگاره به صورت ۱۱۳۶ برگ دورو است و آخرین نسخه مصور خطی تولیدشده در دربارهای ایران است (بوذری، ۱۳۹۳، ۹۰). در ایران نخستین بار، «کتاب هزار و یک شب» به فرمان بهمن میرزا، حاکم آذربایجان و فرزند

چهارم عباس میرزا (۱۲۲۵-۱۳۰۱ ه.ق.) (بامداد، ۱۳۴۷-۱۳۵۱، ج ۱: ۱۹۵-۱۹۸)، توسط میرزا عبدالطیف طسوجی تبریزی (۱۲۹۷ ه.ق.) از نسخه عربی بولاق مصر (منتشر شده در سال ۱۲۵۱ ه.ق./ ۱۸۳۵ م) به فارسی برگردانده شد (بامداد، ۱۳۴۷-۱۳۵۱، ج ۲: ۲۷۶). بنا بر مقدمه نسخه کتاب «هزار و یک شب» (۱۲۶۱)، میرزا محمد علی اصفهانی (۱۲۲۸-۱۲۸۵ ه.ق.) ملقب به شمس الشعرا (متخلص به سروش) متناسب با متن، سروده‌های خود یا شاعران نامدار را به کتاب افزود (همایی، ۱۳۲۷). این ترجمه بین سال‌های ۱۲۵۹-۱۲۶۰ ه.ق.، آماده و در سال ۱۲۶۱ ه.ق.، (۱۸۴۵ م) در دو جلد، در تبریز، به شیوه چاپ سنگی منتشر شد.

در عهد ناصری، به فرمان ناصرالدین شاه، نسخه‌ای مصور از «هزار و یک شب» از روی ترجمه مذکور تدوین شد. این مجموعه نفیس با مباشرت حسینعلی خان معیر الممالک (۱۲۷۴ ه.ق.) (بامداد، ۱۳۴۷-۱۳۵۱، ج ۶، ۹۳-۹۴)، در مجمع صنایع ناصری (یوسفی فر، ۱۳۹۰، ۴۲-۶۴) تهیه شد.

۳-۱-۱. نسخه شناسی نسخه «هزار و یک شب» مجمع صنایع ناصری

الف لیله و لیله. پایان تحریر: ۱۲۶۹ ه.ق. (۱۸۵۲ م)؛ پایان مصورسازی: ۱۲۷۶ ه.ق. (۱۸۵۹ م)؛ ۲۲۸۰ صفحه (۱۱۴۲ صفحه متن، ۱۱۳۴ صفحه تصویر، و ۴ صفحه بیاض)؛ ابعاد: ۳۰ × ۴۵۰ مم، ابعاد نوشتار: ۱۸۰ × ۳۲۰ مم، ۳۰ سطر؛ کاتب: محمدحسین کاتب السلطان تهرانی؛ نقاش: میرزا ابوالحسن خان غفاری ملقب به صنیع الملک (ذکا، ۱۳۸۲، ۲۰؛ ذکا، ۱۳۴۲ الف، ۱۷-۲۰؛ ذکا، ۱۳۴۲ ب، ۱۴-۲۷)؛ و شاگردانش. مذهبان: غلامعلی مذهب باشی و میرزا احمد مذهب؛ جلدساز: میرزا جانی جلدساز؛ صحاف: میرزا یوسف صحاف؛ محل نگهداری: تهران، کاخ گلستان (بوذری، ۱۳۹۳ الف، ۹۱-۹۴؛ بوذری، ۱۳۹۳ ب: ۱۶۰-۲۷۵؛ هادی، ۱۳۶۶، ۱۰۳). نسخه خطی فارسی «هزار و یک شب» در کتابخانه کاخ گلستان با شماره ۱۲۳۶۷-۱۲۳۷۲ ثبت شده است.

در هر صفحه از این نسخه مصور از سه تا شش مجلس تصویر با تکنیک آبرنگ نقاشی و حاشیه آن تذهیب (مرصع) شده است و در مجموع بیش از ۳۶۵۵ نگاره دارد (برای مطالعه بیشتر ر.ک.: بوذری، ۱۳۹۳ ب، ۱۶۰-۲۷۵).

شایان ذکر است که در این پژوهش، پس از بررسی متن روایی نسخه‌های مختلف و همکاری کتابخانه ملی برای در اختیار گذاشتن تصاویر مرتبط با مورد پژوهشی این مقاله، ما به گردآوری متن بیست و دو روایت و بازده تصویر باقی مانده از صنیع الملک پرداختیم. برخی از روایت‌ها دارای متن تو در تو هستند و حتی در جریان روایت شخصیت‌های محوری با کارکرد یکسان نام متفاوتی گرفته‌اند، بنابراین در برخی از نمونه‌ها متن روایت‌ها را نمی‌توانیم تفکیک کنیم و آن‌ها را حکایت‌های جداگانه‌ای بدانیم. هم‌چنین برخی روایات در نسخه‌های مختلف منتشر شده از کتاب «هزار و یک شب» پیرنگ متفاوتی دارند و یا به صورت بخشی از روایت‌های دیگر هستند، بنابراین ما برای بررسی این روایت‌ها تنها به نسخه مرجع این مقاله استناد کرده‌ایم و کوشیدیم عنوان حکایت‌ها را از یکدیگر تفکیک نماییم تا طبقه‌بندی ویژگی‌ها در بافت‌های روایی جداگانه ساده‌تر شود. از سوی دیگر، همه حکایت‌های مرتبط با مورد پژوهش پیش روی، دارای تصویر نیستند. در این نمونه‌ها تنها متن روایت، توصیف‌کننده و بیان‌گر ویژگی‌های ظاهری و کارکرد دیوها در روایت است.

۳-۲. پیشینه و مرور ادبیات پژوهش

از پژوهش‌های ارائه شده پیرامون نقش نمادین «دیو» در متون روایی و تصاویر نمادین به جای مانده در دوره‌های مختلف و وابسته به ادبیات روایی دوره‌های مختلف می‌توان به نمونه‌های پژوهشی زیر اشاره کرد:

راشدی محصل و حسین زاده هروی (۱۳۹۲، ۱۲۱-۱۳۸) در مقاله‌ای به بررسی شخصیت پردازی، توصیف زاویه دید و تصویرپردازی داستانی «دیو سپید» در داستان «رستم و دیو سپید» پرداخته‌اند. در این مقاله ضمن بررسی رویدادهایی که در طراحی ساختار داستان مؤثر است؛ به روش فردوسی در توصیف رویدادها از سه منظر توصیف به وسیله کنش‌ها، توصیف یا توضیح مستقیم، و توصیف به یاری گفت و گو میان شخصیت‌ها می‌پردازد. نتیجه حاصل از تحقیق ایشان نشان می‌دهد که رستم و دیو سپید با توجه به شخصیت پردازی‌ها و تصویرسازی‌های داستانی دو شخصیت اصلی در ساختار داستان هستند. این شخصیت‌ها در داستان ثابت و ایستا هستند و الگوی شخصیتی یکسانی دارند. در این داستان‌ها بسیاری از ویژگی‌ها از طریق گفت و گو میان شخصیت‌های اصلی آشکار می‌شود. این توصیفات شامل توصیفات رایج شاعر درباره ویژگی‌های ظاهری دیو سپید، غارهای تاریک، چگونگی مواجهه رستم و دیو سپید بوده است. توصیف به وسیله کنش‌ها شامل صحنه آماده شدن رستم برای جنگ با دیو سپید، آمدن دیو سپید به سوی رستم و نبرد رستم و دیو سپید است. هم‌چنین، توصیف به واسطه گفت و گو شامل حدیث نفس دیو سپید و حدیث نفس رستم است. برای نمونه فردوسی در این تمثیل شخصیت دیو سپید را این گونه توصیف کرده است:

سوی رستم آمد چو کوهی سیاه از آهنش ساعد وز آهن کلاه
(فردوسی، ۱۳۸۶، بیت ۵۷۰)

در مقاله دیگری با محوریت نقش مایه دیو سپید در شاهنامه، نویسندگان به بررسی سیر تحول نگاره «دیو سپید و رستم» در رابطه با مکاتب نگارگری ایرانی پرداخته‌اند و این نگاره از شاهنامه در دوران مختلف را نماینده سبک دوران دانسته‌اند. این مقاله با بررسی تفاوت‌های سبک نگارگری در مکتب هرات، شیراز، تبریز و اصفهان به ویژگی‌های ظاهری دیو سپید در این چهار مکتب پرداخته است. برپایه این پژوهش گرچه ویژگی‌های زیادی از این نگاره‌ها مقید به ویژگی‌های مکتب یا سبک اثر است اما شباهت‌هایی در ویژگی‌های ظاهری با سایر نمونه‌های تصویری وجود دارد؛ از جمله: دیو با چهره تیره و سر بی‌مو و شاخ دار. هم‌چنین از دید پژوهشگر در نگاره‌های شاهنامه تهماسبی (مکتب تبریز) در تصویرگری سپاهیان دیوها، ویژگی‌های تکراری به تصویر کشیده شده که شامل: رنگ تیره بدن، شاخ، (نیمه) برهنه بودن و اندام نامتعارف است (شاطری و اعراب، ۱۳۹۴، ۱۵-۲۶). در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل کیفی بصری دو پرده روایی عصر قاجار»، پژوهشگر ابتدا ضمن نقل وقایع و معرفی شخصیت‌های موجود در افسانه هفت خان رستم و توضیحی من باب معرفی آنها پرده تصویرسازی شده را از نظر ترکیب بندی مورد بررسی قرار داده است و بعد از آن به توصیف ویژگی‌های ظاهری دیوها پرداخته است. در هر دو صحنه، دیوهای شاخ دار و دم دار با پیکر بزرگ، ابروهای پهن، سیبیل بلند و پرپشت حالت دار و گوش‌های بزرگ تصویر شده‌اند. عموماً در افسانه‌های ایرانی، دیوها با پیکر بزرگ و شمایل عجیب حیوانی (ظاهری ترسناک، باطنی ساده لوح) معرفی می‌شوند (مونسی سرخه و حسین زاده قشلاقی، ۱۳۸۹، ۱۰۰-۱۰۲). توصیف دیو سپید به نقل از فردوسی و محمد جعفر یاحقی این گونه است: «برای این که از دیو سیاه متمایز گردد، رئیس دیوان مازندران را دیو سپید خواندند. به هر حال داشتن بدن سیاه و موی سر سفید، احساس شومی بیشتری به آدمیان دست می‌دهد» (تاواری، ۱۳۹۳، ۸؛ عظیمی پور، ۱۳۹۲، ۶۹).

باقری و کیاده (۱۳۸۸) در مقاله‌ای با عنوان «اکوان دیو و «وای» اسطوره باد»، به بررسی شباهت‌های ظاهری اکوان دیو و فئی لاین^۳ (خدای باد در اساطیر چین) پرداخته و معتقد است با توجه به شباهت‌های بسیار زیادی که در وصف این دو آمده، دو راوی ایرانی و چینی به شکل آشکارا از هم وام‌گیری داشته‌اند و بر این باور است که فردوسی، در داستان خود به طور واضح از زبان راوی چینی روایت کرده است:

گوان خون و اکوان دیوش مخوان ابر پهلوانی بگردان زبان

(شاهنامه فردوسی، ج. ۱، ۳۷۱)

فردوسی اکوان دیو را از نظر ظاهری، چون زرد درخشان و باطنی زشت به تصویر کشیده است. سرش که مانند ماری از پوست بیرون آمده، شبیه به سر یک پیل با موهای دراز است و دهانش پر از دندان هایی شبیه به دندان های گراز و چشمانش سپید و لبانش سیاه است. نام گوان خود مارا به یاد گوان یو خدای اساطیری جنگ چینی می اندازد. از طرفی تجسم فئی لاین به صورت پیرمردی با شنلی زرد رنگ ما را به یاد خدای ریش دار، آدو خدای باد سکایی ها می اندازد.

کریستنسن، داستان نبرد گشتاسب با آخوان سپید را در کتاب جاماسپ نامه متأثر از پیکار رستم با اکوان دیو و دیو سپید انگاشته است (کریستنسن، ۱۸۱۳، ۱۴۲) و بدین سان ظاهراً میان آخوان و اکوان رابطه قائل شده است، این استنباط از آنجا ناشی شده است که گویا او *خیوان* را در جاماسپ نامه به سهو آخوان خوانده است (اکبری مفاخر، ۱۳۸۹، ۲۴۸).

بر اساس ریشه شناسی در خط پهلوی، با مقایسه اکوان دیو و دیو باد در اساطیر چینی به گفته کویاجی این احتمال به وجود آمده که داستان رستم و اکوان دیو روایتی از بن مایه نبرد پهلوان با باد است. در روایت های عامیانه به روابط خانوادگی اکوان دیو اشاره شده که دارای مادر، همسر و پسرانی بوده است و بنا بر داستان هایی که از عوام نقل گشته، از جمله در داستان شیرویه نامدار / شاهزاده شیرویه (احتمالاً از عصر صفوی) مادر اکوان دیو بر یکی از کسان روایت به نام سلیمان ثانی ظاهر می شود و می گوید چون جهانگیر پسر سلیمان یکی از فرزندان او را - که اصولاً باید برادر اکوان باشد- در شهر حلالیه کشته، او نیز به تلافی، دو پسر سلیمان ثانی را ربوده و نزد دیوان برده است. (سیف الدینی، ۱۳۸۴، ۴۰۲، ۴۱۳). در روایات شفاهی - عامیانه از داستان های شاهنامه «اورنگ» نام برادر اکوان است که به همراه مادرش به دست رستم کشته می شوند و خود اکوان می گریزد (انجوی، ۱۳۶۹، ۱۵۷). همچنین به توصیف «صندلوس»، پسر اکوان دیو پرداخته می شود: او دیوی است به رنگ صندل سفید که به زردی می زند و هشتاد ارش بالا دارد و سرش مثل سر گاو است و دو شاخ عظیم دارد هر شاخی تا ده گز بر کله دارد. پاهای او مثل پای پیل است و دست های او مثل دست آدمی و دمی دارد مثل دم شیر اما عظیم با هیبت و با صلابت و با زور تمام که به زور چنان است که هزار سنگ را از زمین برمی دارد.

ذبیحی و همکاران (۱۳۹۹، ۳۵-۴۷)، در خلال ارائه یک تحلیل تطبیقی پیرامون شخصیت پرداززی موجودات تخیلی - تلفیقی در نگاره های دو نسخه عصر گورکانی و عصر ایلخانی از عجایب المخلوقات قزوینی به تعداد دیوها، جن ها در شمار موجودات مافوق طبیعی در این دونسخه پرداخته اند و برخی ویژگی های ظاهری آنها را برشمرده اند.

پیداست که پژوهشگران پیشین برای تحقیق پیرامون موجودات مافوق طبیعی از جمله دیو ها اغلب به رایج ترین منبع پژوهش های افسانه ای و اسطوره ای، شاهنامه فردوسی، و شخصیت های مافوق طبیعی همانند دیو سپید، اکوان دیو در آن کتاب پرداخته اند، هم چنان که ما نیز برای ادامه این سیر پژوهشی و یافتن بن مایه های اساسی این نقش نمادین از شاهد آوردن از این متن ادبی بسیار غنی، شاهنامه فردوسی، بهره مند بوده ایم؛ اما موضوع این پژوهش خاصه، نمادشناسی نقش نمادین دیو در تنها نسخه مصور از «هزار و یک شب» کتابخانه کاخ گلستان و پرداختن به ویژگی های این نماد در متن روایی و تصاویر نمادین هموند با همان متن روایی - اسطوره ای و فرهنگ کهن است تا سیر تحول و جایگاه الگوهای نمادین در دوره های بعد نیز آشکار گردد.

۴. بررسی ویژگی های ظاهری و رفتاری «دیو» ها در روایت های هزار و یک شب

در این پژوهش ما به گردآوری متن بیست و دو روایت نسخه هزار و یک شب و یازده تصویر باقی مانده از صنیع الملک با محوریت نقش نمادین «دیو/ عفریت» پرداختیم. برخی از روایت ها دارای متن تو در تو هستند و حتی در جریان روایت شخصیت های محوری با کارکرد یکسان نام متفاوتی گرفته اند، بنابراین در برخی از نمونه ها متن روایت ها را

نمی توانیم تفیک کنیم و آنها را حکایت‌های جداگانه ای بدانیم. هم چنین برخی روایات در نسخه‌های مختلف از کتاب هزار یک شب پیرنگ متفاوتی دارند و یا به صورت بخشی از روایت‌های دیگری هستند، بنابراین ما برای بررسی این روایت‌ها تنها به نسخه مرجع این پایان نامه استناد کردیم و کوشیدم عنوان حکایت‌ها را از یکدیگر تفکیک نمایم تا طبقه بندی ویژگی‌ها در بافت‌های روایی جداگانه ساده تر شود. از سوی دیگر همه حکایت‌ها دارای تصویر نیستند، در این نمونه‌ها تنها متن روایت، بیان کننده ویژگی‌های ظاهری و کارکرد دیوها است و در جدول نهایی (جدول ۴-۱) به این روایت‌ها تصویر اختصاص داده نشده است. باری در این مقاله، برای خلاصه کردن نتایج به دست آمده، دستاورد مذاقه در روایت‌ها و تصاویر را به اختصار در جدول تطبیقی ارائه کردیم و فقط ویژگی‌های روایی و تصویری در دو حکایت «مکر زنان» و «سیف الملوک و بدیع الجمال» تحلیل تفصیلی نمودیم.

۴-۱. ریشه شناسی واژه «دیو»

«دیو عنوان گروهی از خدایان آریایی در ایران باستان بوده است که به تدریج مقام آنها تنزیل یافته و به موجودات پلید اهریمنی بدل شدند و در زبان و ادب فارسی نام موجودی افسانه‌ای که به آدمیان دشمنی دارد» (رضایی باغ بیدی و افشاری، ۱۳۹۲).

واژه دیو علاوه بر ایران باستان، در بسیاری از جوامع و فرهنگ‌های دیگر نیز وجود داشته است. دیوها عمدتاً موجودات بزرگ و با هیبتی توصیف شده اند؛ اما نکته قابل توجه در تمام این متون و فرهنگ‌ها، تفاوت معنا و جایگاه دیوها است. دیو از واژه سانسکریت^۷ به معنی خدا، آمده است. اما در هند و ایران، دیو یعنی **daeva** معنی کاملاً متفاوتی دارد. در مورد اسوره (اهوره) هم همینگونه است. اگرچه در فرهنگ ایرانی، **daeva** مطرود شناخته شده است و شخصیت منفی به آن بخشیده شد، واژه **daeva** در زبان‌های اروپایی با معنی مثبت باقی مانده است. **divine** به معنی خدایی، الهی است. در فرهنگ و تمدن هند **daeva** یا **dive** با معنی خدا یا الهه برای نام‌های شخصی هم استفاده می‌شود. اما در همان کشور اسوره معنی منفی به خود گرفت و مترادف شیطان است. در ژاپن نیز برگرفته از آیین هند و بودایی، آشورا را به عنوان خدای شیطان صفت و نماد جنگ و خونریزی می‌شناسند؛ او صاحب جهانی با نام خودش است و به اعتقاد بوداییان آدم‌های مغرور و شکاک پس از مرگ، در جهان آشورا^۸ متولد می‌شوند (تاواراتانی، ۱۳۹۳، ۱۵۲-۱۵۳). حضور دیوها در اوستا نیز دیده می‌شود. برخی از این دیوها دارای نام هم بوده‌اند. نام تعدادی از مهمترین دیوها در اوستا عبارت است از: آزی^۹، دیو آز (بارتولومه، ستون ۳۴۳)، اپوشه^{۱۰}، دیو خشکسالی (همان، ستون ۷۲) یا ویزاتوا^{۱۱} به معنای جداکننده، دیو مرگ (همان، ستون ۱۴۳۴)، بوشیانستا^{۱۲}، ماده دیو کاهلی (همان، ستون ۹۷۰)، ونسوا^{۱۳} ماده دیو اجساد (همان، ستون ۱۰۵۷) (افشاری و رضایی باغ بیدی، ۱۳۹۲).

در متون آئین زردتشتی، هر امر بدی را به دیوی نسبت می‌دادند. جالب آن که، ژاپنی‌ها هم هر اتفاق ناخوشایندی را به دیو نسبت می‌دادند؛ به عبارت دیگر دیوان عامل تهدید جامعه بشری بوده‌اند. دیو سرما، دیو آرز، دیو خشکسالی، دیو خشم، دیو کاهلی، دیو توفان، دیو مستی، دیو گرسنگی، دیو نازایی و ... بیماری‌های مسری را در ژاپن باستان، بیماری دیو آفریده می‌گفتند (تاواراتانی، ۱۳۹۳، ۲۴-۲۵). هم چنین، محل اخفای این موجودات معمولاً خارج از محدوده‌ی زندگی انسان است. در ایران محل فریب دیوان و غولان را بیابان می‌دانستند. از طرفی بیابان به اعتقاد مردم کهن، صرفاً محلی نبود که بی آب و علف و غیر قابل کشت باشد، بلکه آنجا زمین نفرین شده بود که محل ظاهر شدن موجودات پلید است (تاواراتانی، ۱۳۹۳، ۲۲).

۴-۲. دیو در متن روایت‌های ادبیات فارسی

شاهنامه فردوسی از کهن‌ترین متون ادبی است که در آن از دیوهای بسیاری سخن به میان آمده است. اصولاً دیوهای شاهنامه و دیگر آثار حماسی فارسی سیاه بوده‌اند. صفت نره در ترکیب «نره دیو» نیز در شاهنامه و در سام نامه برای

دیوها به کار برده شده است. در شاهنامه، دیوها جادوگری و افسون می دانند. در شاهنامه، هیئت و شکل دیوان به ندرت وصف شده اما درباره دیو سپید آمده است که بدنش مانند کوه، رنگش سیاه و موی سرش مانند برف سپید بوده است. اکوان دیو، از دیگر دیوان مشهور شاهنامه، به شکل گورخری ظاهر می شود که مانند خورشید طلایی رنگ است و خطی مشکین بر یال دارد. نام دیگر اکوان دیو، آلابرنگی بوده است.

به تاریکی اندر یکی کوه دید سراسر شده غار ازو ناپدید
به رنگ شبه روی و چون شیرموی جهان پر ز پهنای و بالای اوی
(شاهنامه فردوسی، گنجور)

آنچه از دیوان مازندران در «کوش نامه»، منظومه ای از قرن ششم، ذکر شده است، نشان می دهد که سنجد شاه، شاه مازندران بوده است و دیوان مردمانی قوی و تنومند و سیاه پوست بوده اند. در منابع کهن، از جمله شاهنامه، دیوان از نظر ظاهر با آدمیان تفاوت چندانی نداشته اند. در «گرشاسبنامه»، اندکی بیشتر از شاهنامه شمایل دیو وصف شده است:

«پهنای منهراس دیو سه برابر آدمی و بلدی اش چهل ارش و تنش نیلگون است. با سنگی کوه را با زمین هموار می کند. هنگامی که می غرد، هوش و جان از شیری می برد. از نفسش ابر و از دندانش برق و رعد پدید می آید. با جستی عقاب را از آسمان و نهنگ را از قعر دریا می گیرد و نهنگ را در برابر خورشید بریان می کند و می خورد. در غار زندگی می کند و اگر از دور کشتی ببیند مردم آن را می گیرد و می خورد» (افشاری و رضایی باغ بیدی از قول: اسدی طوسی، ۱۳۹۲، ۲۷۳ و ۲۸۱-۲۸۳).

وصف دیو در سام نامه از این هم واضح تر بیان شده است:
نهانگال دیو، شاخ دارد و می خواهد شاخش را در بدن سام فرو کند. صورت ابرهای دیو مانند آدمی و بدنش مانند نرّه دیو است و دو دندان پیشش مانند گراز و همه پیکرش مانند نیل سیاه است و به شکل ابر در می آید و معشوقه سام را می رباید (افشاری و رضایی باغ بیدی، ۱۳۹۲).
در امیرارسلان در وصف کشته شدن الهاک دیو آورده اند:

که پیکرش چون دو پارچه کوه بر زمین افتاد. در هفت لشکر، عرض و طول مکوکال دیو، نیم فرسنگ است و شاخ های بلند از سرش بیرون زده است. طول دیو سپید از فرق سر تا پاشنه پا ۲۵۰ ارش است، شاخ بر سر دارد، از سر تا پا مثل شیر سفید است و نقطه های رنگارنگ بر تن دارد (نقیب الممالک شیرازی، ۱۳۵۶، ۴۰۱).

یکی دیگر از اعمال دیوان، شکنجه دادن مردگان گناهکار در جهنم بوده است. بر اساس باورهای بوداهای ژاپن، دیوها در دوزخ انواع و اقسام شکنجه ها مانند: انداختن بدکاره ها به دیگ جوشان، خورد کردن استخوان های بدنشان به وسیله چرخ گاری، چرخ کردن گوشت بدنشان، کشیدن ناخون ها و... بر مردگان گنه کار اعمال می کنند. دیوان جهنم از طرف حضرت نمنافضی برزخ که در مورد مردگان قضاوت کرده، حکم صادر می کند که چه کسی به بهشت می رود و چه کسی به دوزخ و یا مجازات گناهکاران به چه اندازه باشد، مأمور شده اند. در یکی از کتیبه های خشایار شاه در تخت جمشید، معروف به کتیبه دیو، خشایار شاه به سرزمینی اشاره دارد که بیشتر، دیوان در آنجا پرستیده می شدند و او این دیوان فارسی باستان را نابود کرده و فرمانی مبنی بر نپرستیدن دیوها صادر کرده است (افشاری و رضایی باغ بیدی، ۱۳۹۲).

بنابر باورهای زردتشتی، جایگاه اهریمن و دیو ها در شمال بوده است. اهریمن و دیوان هر شب برای نابودی آفریدگان اهورایی از دوزخ هجوم می آورند، اما با برآمدن خورشید از ایزدان شکست خورده و به دوزخ باز می گردند (همان).

در جای دیگر از قصه های عامیانه آورده شده است که:

سلاح خاص دیوها، دار شمشاد (تنه درخت شمشاد) بوده است که گاه چند سنگ آسیاب هم بر آن تعبیه کرده‌اند (افشاری و مدائنی، ۱۴۰۱، ۱۷۳). در برخی دیگر، دیو مانند اژدها است. مثلاً در داراب نامه طرسوسی، دیو مانند ماری بال دار توصیف شده است که آتشی از دهانش مشتعل می‌شود که مطابق با ویژگی‌های اژدها است. یکی از بن مایه های قصه‌ها این است که اژدهایی دختری را اسیر می‌کند و جوانی بیگانه به سرزمین دختر می‌رود و اژدها را کشته و با دختر ازدواج می‌کند (افشاری و رضایی باغبیدی، ۱۳۹۲، ۴۳-۳۸).

بنا بر توصیفاتى که تا این به اینجا ذکر شد، دیوها موجوداتی با هیبت و درشت اندام، گاه دارای شاخ و یا دندان‌های تیز بوده هستند، گاه بدنشان تیره رنگ و کبود بوده، چشمان تیزبینی همچون عقاب داشته‌اند و زور بازویی وصف ناشدنی. پیشتر گفتیم که دیوها در آثار ملل گوناگون مشاهده شده‌اند. برای مثال در اساطیر چینی، فئی لاین خدای باد خوانده می‌شود. او با برانگیختن طوفان، جنوب را به ویرانی کشانده، از این رو، به صورت اژدهایی در می‌آید که دارای اندام گوزن است با سر یک پرنده و دو شاخ و دم یک مار؛ گاه نیز به هیبت انسانی از مردم باستان با ریش سفید و کلاه سرخ و آبی و ردایی زرد فام تجسم می‌یابد. این خدای چینی با اکوان دیو ایرانی قابل قیاس است. شباهت این دو به قدری زیاد است که آشکارا نشان دهنده وام‌گیری مشترک دو روایتگر ایرانی چینی و یا ارتباط نزدیک میان این دو ملت بوده است (باقری و کیاده، ۱۳۸۸).

میان متون ادبی از همه مشهورتر دیو سپید مازندران در شاهنامه است. فردوسی دیو سپید را به کوهی سیاه تشبیه می‌کند؛ یعنی بدنش سیاه است. اما موی سرش مانند سفید رنگ است. این تضاد معنایی برای بسیاری از پژوهشگران وجود دارد، که دلیل نامگذاری دیو سپید حالت طنز دارد و یا منظوری دیگر در کار است. یاحقی می‌نویسد: «به سبب سپید بودن مویش به این نام خوانده شده است، در حالی که دیوها معمولاً سیاه رنگ مجسم شده‌اند» (تاواراتانی، ۱۳۹۳، ۸).

لازم به ذکر است دیوها (غول‌ها) هم مانند انسان‌ها از دو جنس مذکر و مؤنث خلق می‌شوند. در افسانه‌های ایرانی اکثر این موجودات، مذکر بوده‌اند (همان، ۱۵). در افسانه‌های هندی، دیو یا غول مؤنث را یک‌هینی‌لمی گویند و مذکرش را یک‌هه‌لمی؛ این دو در افسانه‌ها به یک اندازه ظاهر شده‌اند (تاواراتانی، ۱۳۹۳، ۱۵؛ آموزگار، ۱۳۸۹، ۴۱). نکته قابل توجه این است که در افسانه‌ها، برای توصیف شکل و شمایل دیو یا غول مذکر بر بلندی قد و بزرگی جثه و هیبت او تأکید می‌شود، که نشان دهنده قدرت و زور زیاد این موجودات است؛ اما وقتی از دیو یا غول ماده سخن به میان می‌رود بر زشتی چهره (رنگ زشت آن و چروکیدگی) تأکید می‌شود. از طرفی دیو توانایی تغییر شکل دارد؛ گاهی شکل مرد انسان و گاهی هم شکل زن انسان را می‌گیرد. از این رو در بعضی از قصه‌ها به جنسیت اصلی آن اشاره نشده است (تاواراتانی، ۱۳۹۳، ۱۵).

جنیدی در کتابی با عنوان «زندگی و مهاجرت آریاییان بر پایه ی گفتارهای ایرانی»، دیوها را دشمنان نژاد آریایی می‌داند. نگارنده پس از مطالعه افسانه‌های گوناگون ایرانی و غیر ایرانی و در نظر گرفتن نظریه ایشان، به نتیجه زیر رسیده است: دیوان به طور عمده به سه دسته تقسیم می‌شوند؛ به عبارت دیگر پیشینیان ما سه امر را دیو خوانده‌اند: ۱- دیو یعنی بلاای طبیعی نظیر سرما و گرمای بیش از حد، طوفان و سیل...؛ ۲- اخلاق نکوهیده و کارهای ناشایست مانند دروغ گفتن و داشتن آرزو و حسد و طمع که از آدمیزاد سر می‌زند و ۳- موجودات دیگر عبارتند از: موجوداتی که به آن دنیا تعلق دارند، مثل خدایان، فرشتگان؛ اقوام دیگر با مردم کشورهای دیگر؛ پیروان مذاهب و ادیان دیگر؛ مردمانی که به کارهای غیر متعارف اشتغال دارند (تاواراتانی، ۱۳۹۳، ۱۱۳-۱۰۵).

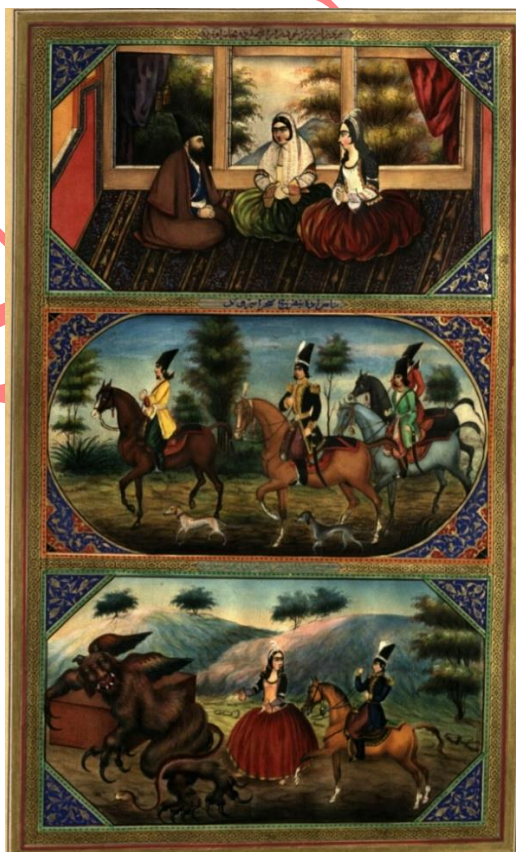
استنوار کتاب تصویر دیگری می‌نویسد:

پدیده طرد بیگانه از این ناشی می‌شود که انسان‌ها تفاوت دیگران با خود را نابهنجار تلقی میکنند و این پدیده هنگامی در ذهن جمعی به اوج خود می‌رسد که اسطوره‌هایی مبنی بر نژاد های غول‌سان شکل گرفته

باشد. نژادهایی که معمولاً در جایی دیگر زندگی می‌کنند: آن سوی رودخانه یا دریا ها، آن سوی بیابان ها، در آن سر دنیا شناخته شده؛ و به سان موجودات کاملاً شناخته واقعی و عینی وصف شده اند. بیگانه‌ای که ظاهرش، مثلاً قد یا رنگ پوستش، رفتار اجتماعی، عمدتاً در تغذیه و روابط جنسی، منابع فرهنگی، اختصاصاً از نظر زبان و مذهب یا تمام این موارد از گروه غالب بسیار متفاوت است، ممکن است که ویژگی‌های این گروه با عنوان غول‌ها در هم آمیخته شوند که چون تخیلی و موهوم هستند، بیشتر هراس‌انگیز جلوه می‌کنند (دیپیم، ۱۳۸۳، ۱۸۷-۱۸۸).

۳-۴. نقش مایه «دیو»؛ ویژگی‌های ظاهری و کنش‌های آن در متن و نگاره‌های حکایت «مکر زنان»

حکایت «مکر زنان»، در جلد چهار نسخه اصلی حکایت شده است و دارای تصویر نیز هست؛ اما مشابه این داستان، در نسخه موجود، در جلد یک نیز آمده است. بخش‌هایی از این حکایت از روی متن نسخه اصلی باز نویسی شده است: «... تو مکر ایشان ببین و با آنچه با مردان می‌کنند نظر کن و گوش به سخنان این کنیز بی عقل مسپار و نیز ای ملک شنیده‌ام که یکی از اولاد ملوک به تنهایی به تفرج بیرون رفت به بحر غزالی خرم رسید آن مکان را بسی پسندیده یافته در آنجا نشست و خوردنی که با خود داشت بیرون آورده همی خورد که ناگهان یکی پسیاهی (سیاهی) پدید شد که سر با بر می‌سود. ملک زاده هراس کرده به درختی از درختان آن مکان فراز رفت و در آنجا پنهان شد چون سیاهی نزدیک آمد، عفریتی بود که صندوق آهنین بر سر داشت. عفریت صندوق بر زمین گذاشت، سر آن گشود و دختری آفتاب روی از صندوق بیرون آورد و سر در کنار او گذاشته بخشید. دختر قمر منظر سر عفریت بر می‌گرفت به روی صندوق نهاد خود برخاسته در مرغزار همی گشت که چشمش بالای درخت به ملک زاده افتاد و به او فرمان داد تا از درخت به زیر بیاید و ملک زاده خواهش او نپذیرفت ماهر و سوگند خورد اگر پایین نیاید عفریت را بیدار می‌کنم و ترا به او نشان می‌دهم ملک زاده از بیم فرود آمد...». این نگاره (تصویر ۱) نیز بخشی از داستان را نمایش می‌دهد.



دیپیم

تصویر ۱. تصویر حکایت «مکر زنان»، صنیع الملک، کتاب هزار و یک شب، صفحه ۱۲۷۸، محل نگهداری: موزه کتابخانه ملی. مأخذ: (نسخه ۱۲۳۶۷-۱۲۳۷۲ کتابخانه ملی ایران)

روایت دیگر «حکایت مکر زنان»، قابلیت تغییر شکل، آدم خواری و فریبکاری، را در «حکایت مکر زنان» نسخه ترجمه شده هزار و یک شب نشان می‌دهد. در این حکایت نیز پسر پادشاه به دختری زیبا روی برخورد می‌کند و دختر با گفتن روایتی پسر را فریب می‌دهد و با او هم سفر می‌شود پس از ساعتی تبدیل به عفروتی با منظر قبیح می‌شود؛ پسر از خدا یاری می‌خواهد، عفروت در حال به زمین افتاده و خاکستر می‌شود (طسوجی، ۱۳۸۷، جلد ۴، ۱۶۰۰-۱۶۰۱). در ادامه این روایت، پسر پادشاه با پسر ملک جنیان دیدار می‌کند و برای رساندن پسر به قصر پدرش، به غلامی به نام راجز دستور می‌دهد غلام تبدیل به عفروت می‌شود و پسر را بر دوش گرفته به هوا پریده و به مقصد می‌رساند (همان، ۱۶۰۹).



تصویر ۲. نقش مابه «عفروت» در تصویر «عفروت خابیده [خوابیده] و دختر با شاهزاده به صحبت پردازد»، قاب سوم از تصویر (۱)، صنیع الملک، کتاب هزار و یک شب، صفحه ۱۲۷۸، موزه کتابخانه ملی. مأخذ: (نسخه ۱۲۳۶۷-۱۲۳۷۲ کتابخانه ملی ایران)

آنگونه که در تصویر مشاهده می‌شود، عفروت، این موجود فراواقعی، با اندازه‌ای نامتعارف که حاکی از اهمیت و بزرگی او نسبت به موجودات طبیعی است، سمت چپ تصویر «عفروت خابیده (خوابیده) و دختر با شاهزاده به صحبت پردازد» خوابیده است. دندان‌های بزرگ بیرون زده از دهان، ناخن‌های بسیار بلند سیاه، رنگ تیره بدن، شاخ و بال از ویژگی‌های ظاهری آن در این تصویر است. در این تصویر، مطابق متن روایت دختر در حال صحبت کردن با شاهزاده است. هم چنان که نقاش برای تصویرگری لباس افراد، از عناصر فرهنگ ایرانی هم زمان با خلق اثر، دوره قاجار، بهره برده است.

چنان که در «سام‌نامه» تن ابرهای دیو مانند نیل سیاه است و در «داراب‌نامه» طرسوسی، اسکندر در سفر به زنگبار با دیوهایی روبه رو می‌شود که رئیس آنها، مهکال زنگی است و در جایی اسکندر او را «ای ملعون سیاه» خطاب کرده است. نام آلابرزنگی برای اکوان دیو نیز به ارتباط دیو با زنگ، زنگبار و رنگ سیاه اشاره می‌کند (افشاری و رضایی باغ بیدی، ۱۳۹۲، ۳۸-۴۲). در شاهنامه، هیئت و شکل دیوان به ندرت وصف شده است اما درباره دیو سپید آمده است: که بدنش مانند کوه است، رنگش سیاه و موی سرش مانند برف سفید است (همان).

در قصه‌های عامیانه، شکل و خصوصیات دیوان دقیق‌تر توصیف شده است:

در اسکندرنامه دیو ها در آب غوطه می‌خورند و در هوا پرواز می‌کنند (افشاری و رضایی باغ بیدی، ۱۳۹۲، ۳۷۸ و ۴۷۳؛ افشاری و مداینی، ۱۴۰۱، ۶۷)؛ هنگامی که به هوا می‌روند تنوره می‌کشند (افشاری و مداینی، ۱۴۰۱، ۶۸)؛ تنومند و کوه پیکرند (نقیب الممالک، ۱۳۵۶، ۴۰۷)

۴-۴. نقش مایه «دیو»؛ ویژگی های ظاهری و کنش های آن در متن و نگاره های حکایت «سیف الملوک و بدیع الجمال»

داستان «سیف الملوک و بدیع الجمال» در شش شب روایت شده است. صنیع الملک برای این روایت چهار تصویر که هر کدام دارای سه بخش هستند، تصویرگری کرده است. این حکایت با روایت پادشاهی به نام عاصم بن صفوان و وزیرش آغاز می شود که آتش و آفتاب را می پرستیدند و هر دو از نعمت داشتن فرزند بی نصیب بودند و برای همین امر به سوی سلیمان (ع) می روند. نگاره های زیر (تصویر ۳ - ۶) بخش هایی از این تصاویر را نشان می دهد که عفریت یا دسته ای از عفریت ها، غول ها، و یا اجنه در آن حضور دارند. در شب هفتصد و پنجاه و نهم این حکایت، شاهد تصویر زیر هستیم (تصویر ۳).



تصویر ۳. نقش مایه «جنیان» در تصویر «جنیان و خدم و حشم حضرت سلیمان در راه ایستاده و مرغان بر سر ایشان سایه انداخته»، قاب سوم از نگاره روایت شب ۷۵۹، صنیع الملک، کتاب هزارو یک شب، صفحه ۱۶۳۸، موزه کتابخانه ملی. مأخذ: (نسخه ۱۲۳۶۷-۱۲۳۷۲ کتابخانه ملی ایران)

تصویر حکایت زمانی است که حضرت سلیمان لشگر خود را از جنیان و انسیان و پرندگان فرمود که در راه ایشان باستند و پرندگان بر سر آنها سایه بیندازند. این حکایت ادامه می یابد تا زمانی که وزیر به نزد ملک عاصم باز می گردد و برای او نقل کند که حضرت به او فرموده است که هر دو به فراز فلان درخت بروند و در هنگام نماز از درخت به زیر آیند و به دو اژدها که در آن مکان هستند نظر افکند سر یکی چون بوزینه و سر دیگری چون سر عفریتان است آن دو را با تیر بزنند و...



تصویر ۴. نقش مایه «اجنه» در تصویر «ملک عاصم و وزیرش فارس تیروکمان به دست گرفته و «به» اجنه ها می‌زنند»، قاب سوم از نگاره روایت شب ۷۶۰، صنیع الملک، کتاب هزارو یک شب، صفحه ۱۶۴۰، موزه کتابخانه ملی. مأخذ: (نسخه ۱۲۳۶۷-۱۲۳۷۲ کتابخانه ملی ایران)

«چون شب هفتصد و هفتاد و دو برآمد،... گفت ای ملک جوان بخت، ساعد گفت: من با یاران خود آتش برهیزم برزدیم... به میوه خوردن مشغول بودیم که ناگاه شخصی پدید شد که گوش‌های پهن و دراز و چشمان درخشنده‌تر از مشعل فروزان داشت و گوسپندی بسیار چرانید... گفتند شما کیستید؟ گفتیم: میهمانان هستیم. گفتند: چگونه در دست این پلیدک گرفتار شدید؟ که این غولست و آدمیان را همی خورد. ما را نابینا کرد و همی خواهد که ما را بخورد. ما بایشان گفتیم: این پلیدک چگونه شما را نابینا کرد؟... گفتیم با آن پلیدک چه باید کرد؟ یکی از ایشان گفت برخیز و باین طاق فراز شو در آنجا شمشیری هست آنرا برداشته این پلیدک را بکش. من برخاسته سوی طاق بالا رفتم و شمشیر گرفته و سوی او روان شدم و با شمشیر دو نیمه اش کردم بانگ بر من زد و گفت اکنون که مرا کشتی ضربت دیگر بزن من خواستم که شمشیری دیگری بزنم. مردی که من را به شمشیر دلالت کرده بود گفت مزنی که از ضربت دیگر زنده شود و ما را هلاک می‌کند...» (طسوجی، ۱۳۸۷، جلد ۴، ۴۶۲-۴۶۰).



تصویر ۵. نقش مایه «غول» در تصویر «ساعد شمشیر کشیده و می‌خواهد غول را بکشد»، قاب اول از نگاره روایت شب ۷۷۳، صنیع الملک، کتاب هزارو یک شب، صفحه ۱۶۷۲، موزه کتابخانه ملی. مأخذ: (نسخه ۱۲۳۶۷-۱۲۳۷۲ کتابخانه ملی ایران)

روایات زیادی در هزار و یک شب به پیوند میان جنیان و انسیان اشاره دارد؛ در ادامه روایت سیف الملوک نیز مورد مشابهی از این پیوند داریم. روایت شده است که سیف الملوک در باغ ملک شهیال به تفرج بوده است که ناگاه توسط افراد ملک ازرق ربوده می‌شود و بدیع الجمال برای شکایت از این امر به نزد پدر خود می‌رود. در ادامه، ماجرای درگیری میان طایفه های جنیان را روایت می‌کند چرا که علاوه بر نشدنی بودن این پیوند، دشمنی میان سیف الملوک و ملک ازرق بخاطر کشتن پسرش (روایت صفحه ۵۶ پاراگراف اول) نیز بر پا بوده است و در میان دو طایفه جنیان جنگی بر سر سیف الملوک و باز ستاندنش از ملک ازرق صورت می‌گیرد که با پا در میانی ملک شهیال این دو باهم قول نامه صلح می‌بندند.



تصویر ۶. نقش مایه «غول» در تصویر «ملک ازرق با لشکر ملک شهبال جنگ می‌کند و ملک ازرق دست‌گیر می‌شود»، قاب دوم از نگاره روایت شب ۷۷۷، صنیع الملک، کتاب هزار و یک شب، صفحه ۱۶۸۴، موزه کتابخانه ملی. مأخذ: (نسخه ۱۲۳۶۷-۱۲۳۷۲ کتابخانه ملی ایران)

۴-۵. پر تکرار ترین اعمال دیوان

a، خوردن خون و گوشت ربوده شدگان، پرش های بلند، فرو رفتن در زمین، امکان تغییر شکل و... که در بسیاری از افسانه ها نقل شده است. چیزی که در این روایت «سیف الملوک و بدیع الجمال» شاهدش بودیم، جزء پر تکرار ترین ویژگی های دیو در این حکایت ها است. این ویژگی ها از این قرار اند: «ربوده شدن دختر زیبا روی به قصد همبستری یا به همسری در آمدن با دیو، مخفی کردن دخترک از دید همگان، دل بستگی شدید دیو به انسان». نکته قابل توجه در این روایات، تو در تو بودن و دنباله دار بودن برخی از آنها است به طوری که برخی از آنها چندین شب به طول می انجامند. آنچه در برخی از دیگر داستان های این کتاب شاهدش هستیم، شامل دیوهایی است که فرزند یا فرزندان دارند. شرح اعمال پرتکرار دیوان در جدول ۱، با در نظر گرفتن زمینه هر روایت آمده است.

۴-۶ تغییر شکل دیوان به شخصیت های انسانی

در افسانه های ایرانی، دیو یا غول از همه بیشتر به شمایل: گدا، رهگذر، درویش و زنی زیبا در می آید و مردم را فریب می دهد. وجه مشترک گدا، رهگذر، درویش، غریبه بودن، یا به عبارت دیگر عضو اجتماع نبودن آنها است. در افسانه های ایرانی، جادوگران و شیطان از نظر اعمال مانند دیو عمل می کنند. یعنی آدم ها را گول می زنند، طلسم و افسون می کنند... بعضی افسانه های ایرانی داستان مشترکی دارند؛ فقط موجود پلید در بعضی ها دیو و در بعضی دیگر شیطان ذکر شده است. پس می توان گفت دیو یعنی جادوگر، یعنی آدم های غریبه و خارج از اجتماع (تاواراتانی، ۱۳۹۳، ۱۲۸). در نمونه هایی از حکایت «بانو و دو سگش» و حکایت «جانشاه و شمشه» دیوها به شمایل انسان درآمده اند.

در فصل ۲۷ بندهشن، شرح وظایف اهریمن و دیوان آمده است. در این فصل فهرستی از دیوان نر و ماده آمده است و وظایف هر یک بیان شده است. برخی از مهم ترین دیوان در این فهرست عبارتند از: آژ؛ آپوش و همکارش سپینجروش که از دیوان خشکسالی هستند؛ ارشک دیو رشک، کینه و بدچشمی؛ آستویهد دیو مرگ؛ آگاش و سورچشمیه دیوان شورچشمی؛ بوت دیوی که در هند پرستیده می شود؛ بوشاسب دیو کاهلی؛ چشیمگ دیو پدیدآورنده گردباد و ... (Pakzad, 2005)؛ هم چنین در متن فارسی زادسپرم نیز به کارکردهای دیوان اشاره شده است: اهریمن، دیو آژ را به عنوان سپهسالار خود برگزید و چهار دیو خشم؛ زرمان (دیو پیری)، زمستان، و سیجرا، سپاهبدان و همکاران او قرار داده است (فصل ۳۴، بند ۳۲) (آموزگار، ۱۳۸۹، ۳۸-۴۱؛ راشد مصل، ۱۳۸۵، ۷-۲۰). هم چنان که در این نمونه ها به

وظایف این دیوها در متن روایات ایران باستان اشاره شده است، در متن روایت‌های هزار یک و شب نیز دیوان کارکردهای گوناگون، زمینی، ماورایی و مثبت و منفی دارند. ما در طبقه بندی ارائه شده در جدول ۱، پرتکرارترین این وظایف را گردآوری و ارائه کرده‌ایم. آموزگار (۱۳۸۹، ۴۲) ضمن اشاره به اسامی دیوها، به این نکته اشاره می‌کند که هر یک از دیوان نمادی برای هر پدیده بد و صفت ناپسند هستند.

۴-۶. ناهماهنگی متن و تصویر

در بسیاری از نمونه‌های تصویری میان متن روایت از نظر ویژگی‌های ظاهری و کنش‌های برشمرده برای این موجودات و روایت داستانی تطابق وجود ندارد. این ناهماهنگی‌ها با توجه به خلاصه ویژگی‌ها در جدول ۱ در چند دسته بیان می‌شود:

- **عدم واقع‌نمایی اندازه‌ها و ویژگی‌های ظاهری:** نکته قابل توجه در برخی تصاویر، تفاوت استدلال در زبان کلامی و تصویری است. برای مثال در داستان‌ها با توصیفاتی از قبیل بزرگی سر و سابیده شدن سر دیو به آسمان روبرو هستیم ولی در تصویر مشاهده می‌کنیم که سر دیو بسیار کوچک است و حتی می‌توان گفت سر به اندازه سر انسان‌های موجود در آن تصویر کشیده شده است و همچنین جثه دیو به طور تقریبی با اسب‌ها برابر است. همچنین در متن توصیفاتی درباره‌ی دم‌اژدها مانند و یا بال برای دیو آورده نشده است ولی این ویژگی‌ها را در تصویر برای نمایش مبالغه آمیز دیو آورده شده است.
- **تفاوت‌های فرهنگی مشهود میان متن و تصویر:** تفاوت سبک و شیوه تصویرسازی در مقایسه با متن روایتی هزار و یک شب به خوبی مشهود است. سبک و شیوه مصورسازی هزار و یک شب با انتخاب خاص صنایع الملک در زمان و فرهنگ و زبان متفاوتی نسبت به زمان و فرهنگ و زبان روایی داستان هاست: زمان داستان‌های متن هزار و یک شب غالباً دوره خلافت خلفای عباسی است و مکان داستان بصره و دیگر سرزمین‌های عربی است؛ در حالی که پوشاک افراد، معماری فضاها و بعضی از شخصیت‌ها در نگاره‌های هزار و یک شب، متعلق به تهران عصر قاجار است.
- **تفاوت ظاهری و فضا سازی توسط هنرمند:** از تفاوت‌هایی که بین متن و تصویر به چشم می‌خورد می‌توان به تفاوت میان مکان و توصیفات نویسنده با فضایی که تصویرگر برای آن ایجاد کرده است در روایت «سیف الملوک و بدیع الجمال» نام برد. در یکی از شب‌های این روایت، سیف الملوک در جزیره‌ای می‌شود و در آنجا با فردی روبرو می‌گردد که چهره‌ای عجیب داشته و چشمانی درخشان و لباس چوپانی به تن داشته است. این روایت به درازا می‌کشد و در ادامه به غاری اشاره می‌شود که سیف الملوک و همراهانش در آن زندانی می‌شوند؛ اما چیزی که ما در تصویر این حکایت شاهد هستیم، تصویرگری مکانی است آجر چینی شده و در گوشه سمت چپ شاهد دو فرد هستیم که به نظاره این اتفاق ایستاده‌اند در صورتی که نویسنده به طور آشکار توضیح داده است که افراد موجود در آن غار توسط دیو نابینا شده‌اند. از دیگر تفاوت خاص بین متن و تصویر، می‌توان به شاخ و دم و لباس‌های این دیو اشاره کرد.

جدول ۱. دسته بندی ویژگی های ظاهری و کارکرد «دیوها» در تصاویر و متن هزار و یک شب

ردیف	داستان‌ها	ویژگی های ظاهری در تصویر										ویژگی های ظاهری (در متن)						ویژگی های مفهومی (کارکردها)				تصاویر در نگاره‌ها					
		بال	دم	شاخ	شباهت به ازدها	قد بلند	دندان بزرگ	قد بلند	دندان بلند	چشم بزرگ	ظاهر عجیب	شمایل انسانی	قدرت خارق العاده	جثه بزرگ	جنگاور	شکارچی	آدم ربای	دل‌بستگی	کارهای فرانسانی	دین داری	آدم خواری						
۱	شهربازو برادرش شاه زنان													✓	✓		✓										
۲	بازرگان و عفریت	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓					✓			✓									
۳	پیرمرد و دو سگش																✓	✓	✓								
۴	حکایت صیاد													✓				✓									
۵	وزیر و پسر پادشاه																			✓							
۶	مکر زنان																			✓							
۷	حمال با دختران																			✓		✓					
۸	بانو و دو سگش																			✓		✓					
۹	نورالدین و شمس																				✓						

تصاویر در نگاره‌ها	ویژگی‌های مفهومی (کارکردها)							ویژگی‌های ظاهری (در متن)							ویژگی‌های ظاهری در تصویر					داستان‌ها	ردیف	
	آدم خواری	دین داری	کارهای فرانسانی	دلبستگی	آدم ربای ی	شکار چی	جنگاور ی	جثه بزرگ	قدرت خارق‌العاده	شمایل انسانی	ظاهر عجیب	چشم بزرگ	دندان بلند	قد بلند	دندان بزرگ	قد بلند	شباهت به ازدها	شاخ	دم			بال
					✓	✓					✓					✓	✓	✓	✓	✓	مکر زنان	۱۰
	✓		✓						✓	✓											جانشاه و شمسه	۱۱
			✓				✓	✓		✓								✓	✓		جانشاه و شمسه شب ۴۹۹	۱۲
			✓		✓		✓	✓						✓							حکایت جانشاه و شمسه شب ۵۰۱	۱۳
			✓	✓					✓												جوذر	۱۴
			✓	✓	✓	✓	✓	✓		✓				✓							عجیب و غریب	۱۵
							✓	✓		✓						✓		✓	✓		سیف الملوک و بدیع‌الجمال	۱۶

تصاویر در نگاره‌ها	ویژگی‌های مفهومی (کارکردها)							ویژگی‌های ظاهری (در متن)							ویژگی‌های ظاهری در تصویر					داستان‌ها	ردیف	
	آدم خواری	دین داری	کارهای فرانسسانی	دل‌بستگی	آدم ربای ی	شکار چی	جنگاور ی	جثه بزرگ	قدرت خارق‌العاده	شمایل انسانی	ظاهر عجیب	چشم بزرگ	دندان بلند	قد بلند	دندان بزرگ	قد بلند	شباهت به اژدها	شاخ	دم			بال
			✓				✓	✓		✓			✓		✓	✓	✓	✓	✓	✓	سیف الملوک و بدیع‌الجمال شب ۷۶۰	۱۷
	✓				✓		✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓								سیف الملوک و بدیع‌الجمال شب ۷۶۱	۱۸
			✓	✓	✓			✓	✓												سیف الملوک و بدیع‌الجمال شب ۷۶۵	۱۹
	✓		✓			✓		✓	✓		✓				✓		✓	✓			سیف الملوک و بدیع‌الجمال شب ۷۷۲	۲۰
			✓	✓	✓	✓		✓	✓				✓		✓		✓	✓			سیف الملوک و بدیع‌الجمال شب ۷۷۸	۲۱

تصاویر در نگاره‌ها	ویژگی‌های مفهومی (کارکردها)							ویژگی‌های ظاهری (در متن)							ویژگی‌های ظاهری در تصویر					داستان‌ها	شماره	
	آدم خواری	دین داری	کارهای فرانسانی	دلبستگی	آدم ربای ی	شکار چی	جنگاور ی	جثه بزرگ	قدرت خارق‌العاده	شمایل انسانی	ظاهر عجیب	چشم بزرگ	دندان بلند	قد بلند	دندان بزرگ	قد بلند	شباهت به اژدها	شاخ	دم			بال
		✓		✓				✓	✓		✓		✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	حسن بصری و نورالسماء	۲۲

انتشار هنرهای زیبا

۵. جمع بندی و نتیجه گیری

با توجه به مطالعات انجام شده در بررسی وجوه نمادین «دیوها» در هزار و یک شب می توان گفت، دیوها، غولها، عفریتها، اجنه و پریان همه از یک مجموعه به شمار می آیند و جایگاه این موجودات بنا بر شرایط و اتفاقاتی که در طی داستانها روایت می شود، قابل تغییر است. در اکثر روایات هزار و یک شب اجنه بالاترین مرتبه را در بین این موجودات دارند، در مرتبه دوم پریان که همواره دختران یا همسران این موجودات به شمار می آیند و در نهایت دیوها و غولها و عفریتها قرار می گیرند که از اجنه دستور می گیرند. در بیشتر روایت‌های کلامی و تصویرسازی‌های وابسته به آنها دیوها به صورت گروهی زندگی می کنند و فقط در نمونه‌های انگشت شماری به دیو تنها اشاره شده است. بنابر روایات در دست، می توان خصوصیات مشترک برای اکثر دیوها در نظر گرفت. این ویژگی‌های ظاهری شامل: جثه بسیار بزرگ (قد بلند، بدن ورزیده و نیروی مافوق طبیعی)؛ دندان‌هایی همانند دندان فیل و از فک بیرون زده؛ چشمانی درشت و درخشان؛ پوست تیره؛ ظاهر زشت است.

بر اساس تحلیل نتایج بدست آمده می توان گفت دیوها خوب یا بد مطلق نیستند و رفتار آنها بنابر واکنش افرادی که با آنها روبرو می شوند قابل تغییر است. و جالب آن که هیچ یک از شواهد موجود بر ویژگی‌های کاملاً منفی این موجودات دلالت نمی کند. خصوصیات توصیف شده دیوها، همان خصوصیات است که در بین انسان‌ها زشت و ناپسند شمرده می شود. خصوصیات از قبیل: تنبلی، خواب آلودگی، خونخواهی، زیاده خواهی، گدایی، کار کشیدن و سو استفاده از دیگران و...

بنابر بررسی روایت‌های هزار و یک شب در می یابیم این موجودات در اکثر مواقع انسان را شکار و از گوشت تنش تغذیه می کنند. نکته قابل توجه در این باره این است که آنها گوشت را به صورت پخته و یا کباب شده می خورند. از دیگر خصوصیات دیوها می توان به قدرت تکلم به زبان‌های مختلف آنها اشاره کرد. در پاره‌ای از داستانها شاهد برخورد شهاب سنگ با دیوها و سپس تبدیل شدن آنها به خاکستر هستیم؛ اما شایان ذکر است که این اتفاق برای هیچ کدام از دیوهایی که به دیندار و یا مسلمان بودن آنها در روایات اشاره شده است نمی افتد. از دیگر خصوصیات این موجود می توان به قابلیت پرواز کردن و یا در زمین فرو رفتنشان اشاره کرد.

در این پژوهش کوشیدیم ضمن مرور تاریخچه کتاب «هزار و یک شب»، به بررسی نتایج پژوهش‌های پیشین درباره ویژگی‌های ظاهری و کارکرد موجودات عجیب و غریب، به ویژه دیوها، در تصویرسازی‌های کلامی و نگاره‌های بصری نسخه مصور فارسی بپردازیم و نتایج قابل تعمیم را در بر اساس متن روایت‌های هزار و یک شب و تصاویر طبقه بندی کنیم.

پی نوشت ها:

۱. «پری» ها ماده دیوانی با ظاهر زیبا که غالباً به فریب دادن قهرمانان در دوران گیتی می پردازند (آموزگار، ۱۳۸۹، ۴۲).

۲. برای مطالعه بیشتر ن. ک.: طسوجی، عبداللطیف، هزار و یک شب. این کتاب توسط انتشارات نگاه در ۶ جلد به چاپ رسیده است.

3. Fei-lein	
4 . Oado	
5 .Axwan	
6. Xyonan	
7. Daeva	
8. Ashura	
9. (Azy-)	
1 . Apoša	0
1 . Atav-siv	1
1 . Syasta-ub	2
1 . Nasav	3

1 . Enema	5
1 . Yakkhini	6
1 . Yakha	7
1 . Katrina Stenou	8

منابع

- ابراهیمی، معصومه (۱۳۹۷). دیو شناسی ایرانی. تهران: فرهامه.
- ابراهیمی، معصومه (۱۳۹۱). مطالعه تطبیقی دیوها و موجودات مافوق طبیعی در عجایب المخلوقات قزوینی و بحیره فزونی استرآبادی. نشریه ادبیات تطبیقی، ۶(۳)، ۱-۲۹.
- آژند، یعقوب (۱۳۸۳). کتاب آرایه هزار و یک شب. فصلنامه هنر، ۶۱، ۶۲-۷۵.
- آموزگار، ژاله (۱۳۸۹). تاریخ اساطیری ایران. تهران: انتشارات سمت
- افشاری، مهران و رضایی باغ بیدی، حسین (۱۳۹۲). دیو. دانشنامه جهان اسلام، جلد ۱۸: <https://rch.ac.ir/article/Details?id=13401>
- افشاری، مهران و مدائینی، مهدی (۱۴۰۱). هفت لشکر(طومار جامع نقالان) از کیومرث تا بهمن. تهران: انتشارات سخن.
- اکبری مفاخر، آرش (۱۳۸۹). درآمدی بر اهریمن شناسی ایرانی. تهران: انتشارات ترفند.
- انجوی، سید ابوالقاسم (۱۳۶۹). فردوسی نامه. چاپ سوم، تهران: انتشارات علمی.
- باقری، معصومه و کیاده، حسن (۱۳۸۸). اکوان دیو و «وای» اسطوره باد. مطالعات ایرانی، ۸(۱۶).
- بامداد، مهدی (۱۳۴۷-۱۳۵۱). شرح حال رجال ایران در قرن ۱۲، ۱۳ و ۱۴. تهران: زوار.
- برزگر، محمدرضا (۱۳۹۷). دیو در شاهنامه. متن پژوهی ادبی، ۵(۱۳)، ۷۶-۱۰۰.
- بوذری، علی (۱۳۹۳ الف). نسخه هزار و یک شب کتابخانه گلستان در فهرست شیخ المشایخ معزی. گزارش میراث، ۲(۱۱)، ۸۹-۹۴.
- بوذری، علی (۱۳۹۳ ب). نسخه خطی هزار و یک شب؛ نسخه شناسی و معرفی نگاره‌ها. نامه بهارستان، ۲(۳)، ۱۶۰-۲۷۵.
- پیروای ونک، مرضیه (۱۳۹۰). تحلیل معناشناختی واژه آیگون. متافیزیک، ۳(۱۱)، ۴۹-۵۸.
- تاواراتانی، ناهوگو (۱۳۹۳). دیو از افسانه تا واقعیت. تهران: انتشارات بهجت.
- حسینی سروری، نجمه و صرفی، محمدرضا (۱۳۸۹). بررسی وجوه روایتی در روایت های هزار و یک شب. نشریه ادب و زبان دانشکده ادبیات و علوم انسانی باهنر کرمان، ۱(۲۷)، ۱-۲۸.
- خلیلی، مریم (۱۳۸۸). تحلیل تابلوی سفیران اثر هولباین بر اساس نظریه پانوفسکی. فصلنامه تخصصی نقش مایه، ۲(۳)، ۱۰۷-۱۰۹.
- دلاکروا، فرانسوا پتیس (۱۷۱۰). هزار و یک روز قصه های ایرانی، ترجمه‌ی محمدحسن میرزا کمال‌الدوله و محمدکریم‌خان سرتیپ (۱۸۶۹). تصحیح و مقدمه رضا طاهری (۱۳۹۷). تهران: نشر نخستین
- دیهیم، گیتی (۱۳۸۳). تصویر دیگری (تفاوت از اسطوره تا داوری). کاترینا استنو (۱۹۹۸). تهران: مطالعات فرهنگی.
- ذبیحی، مریم؛ سلیم زاده، محمدجعفر و فرخ فرزانة (۱۳۹۹). تحلیل تطبیقی شخصیت پردازی موجودات تخیلی - تلفیقی در نگاره‌های نسخ عجایب المخلوقات قزوینی مکتب ایلخانی و مکتب گورکانی. فصلنامه نگره، ۵۵، ۴۷-۳۵.

- ذکاء، یحیی (۱۳۴۲ الف). میرزا ابوالحسن خان صنیع الملک غفاری موسس هنرستان نقاشی در ایران ۲. هنرو مردم، ۱۱، ۱۶-۳۴.
- ذکاء، یحیی (۱۳۸۲). زندگی و آثار صنیع الملک. ویرایش و تدوین سیروس پرهام. تهران: سازمان میراث فرهنگی و مرکز نشر دانشگاهی.
- ذکاء، یحیی (۱۳۴۲ ب). میرزا ابوالحسن خان صنیع الملک غفاری موسس هنرستان نقاشی در ایران ۱، هنر و مردم، ۱۰، ۱۴-۲۷.
- راشدی محصل، محمدرضا و حسین زاده هروی، فاطمه (۱۳۹۲). بررسی پیرنگ، شخصیت پردازی، توصیف، زاویه دید و تصویر پردازی در داستان نبرد رستم با دیو سپید. متن شناسی ادب فارسی، ۲ (۱۸)، ۱۲۱-۱۳۸.
- راشد محصل، محمدتقی (۱۳۸۵). زادسپرم، وزیدگیهای زادسپرم. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- زمردی، حمیرا و نظری، زهرا (۱۳۹۱). خاستگاه و رد پای دیو و اهریمن در ادب کهن فارسی. بوستان ادب، ۱ (۱۱)، ۷۳-۹۹.
- سیف الدینی، علیرضا (۱۳۸۴). شیرویه نامدار. تهران: انتشارات ققنوس.
- شاطری، میترا و اعراب، علی (۱۳۹۴). بررسی نگاره های مربوط به رستم و دیو سپید در نگارگری. نگارینه هنر اسلامی، ۲(۵)، ۱۵-۲۷.
- شین دشتگل، هلنا (۱۳۸۴). نسخه خطی و مصور هزار و یک شب. کتاب ماه هنر، ۷۹ و ۸۰، ۱۳۳-۱۴۰.
- صرامی، عارفه، (۱۳۹۳). تحلیل ساختاری دوگانگی نقش نمادین ماهی درهم در هنر ایرانی - اسلامی. پایان نامه کارشناسی ارشد.
- صرامی، عارفه و مختاریان، بهار (۱۳۹۷). تاویل و تفسیر نگاره های ایرانی - اسلامی بر پایه نجوم. تهران: نشر انسان شناسی.
- طسوجی تبریزی، عبداللطیف (مترجم) (۱۳۸۷). الف لیله و لیله فارسی. هزار و یک شب، ۶ جلد. مصور. تهران: موسسه انتشارات نگاه.
- عظیمی پور، نسیم (۱۳۹۲). دیو در شاهنامه همراه بررسی تطبیقی دیوها و شخصیت‌های منفی آیین مزدیسنا. تهران: سخن
- فردوسی، ابوالقاسم (۱۳۸۶). شاهنامه. تصحیح جلال خالقی مطلق دفتر ششم با همکاری محمود امیدسالار و دفتر هفتم با همکاری ابوالفضل خطیبی. تهران: نشر مرکز دایرة المعارف بزرگ اسلامی.
- کریستنسن، آرتور (۱۸۱۳). کیانیان. ترجمه ذبیح‌الله صفا (۱۳۹۴). چاپ هشتم، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- مختاریان، بهار و صرامی، عارفه (۱۳۹۵). بازنمود زحل و باورهای مربوط به آن در نگاره ها. چیدمان ۵(۱۴)، ۴۸-۵۴.
- مونس سرخه، مریم و حسین زاده قشلاقی، سارا (۱۳۹۸). تحلیل کیفی بصری دو پرده روایی عصر قاجار. جلوه هنر، ۱(۱۱)، ۹۷-۱۰۹.
- نقیب‌الممالک شیرازی، میرزا محمدعلی (۱۳۵۶). امیرارسلان. تصحیح محمدجعفر محبوب. تهران: کتاب‌های جیبی، چاپ دوم.

-
- هادی، محمد (۱۳۶۵-۱۳۶۶). نخستین معلم نقاشی نوین ایران (مروری بر زندگی و آثار میرزا ابوالحسن غفاری صنیع الملک). فصلنامه هنر، ۱۳: ۱۰۲-۱۲۷.
 - یوسفی فر، شهرام، (۱۳۹۰). مجمع الصنایع (تجربه نوگرایی در مشاغل کارگاه‌های سلطنتی دوره قاجار). گنجینه اسناد، ۳(۲۱)، ۴۲-۶۴.
 - Christian Bartholomae (1904). *Altiranisches Wörterbuch*. Strasbourg repr. Berlin 1961.
 - Hart, J. (1993). Erwin Panofsky and Karl Mannheim: a dialogue on interpretation. *Critical Inquiry*, 19(3), 534-566.
 - Klingbeil, M. (1999). *Yahweh Fighting from Heaven: God as Warrior and as God of Heaven in the Hebrew Psalter and Ancient Near Eastern Iconography* (Vol. 169). Saint-Paul.
 - Mitchell, W. T. (2013). *Iconology: image, text, ideology*. University of Chicago Press.
 - Munsterberg, M. (2013). *Iconographic Analysis*.
 - Panofsky, E., & Drechsel, B. (1970). *Meaning in the visual arts* (p. 26) Harmondsworth: Penguin Books.
 - Panofsky, Erwin. (1972). *Studies in iconology: humanistic themes in the art of the Renaissance*. New York: Harper & Row.
 - Pākzād, F. A. (2005). *Bundahišn: Zoroastische Kosmogonie und Kosmologie*. Centre for the Great Islamic Encyclopaedia.

کتابخانه
 پژوهش‌های زیبا

A study of the symbolic motif “div” or Demon in *Sani al-Mulk’s* illustrations of the book “*One Thousand and One Nights*” manuscript of *Golestan Palace Library*

Abstract

Legends have been included and decorated with various images, since long ago. These images have both decorative and narrative aspects. Understanding the components and their relationships in images to reach structure is one of the ways to reach meaning. Repetition of symbolic elements from very distant times to late times, first of all, requires an explanation of how it was formed and the meaning it has included. The iconography method in the interpretation of works of art tries to show the connection between the image and the text after the detailed description of the image with a comparative method and to analyze the meaning of these images by revealing the repeated structural pattern in different cultures.

"Demons" are beings with surreal characteristics, whose unique characteristics and powers have made them special in Iranian (Persian) legends and literary works, paintings, and illustrations. Their abilities and their powers such as: flying, turning into a human and a bird, the ability to change shape, etc. The book "One Thousand and One Nights" by Abdul Latif Tasuji or "Thousand Tales" is originally one of the old Pahlavi texts, which was translated into Arabic after Islam and by adding legends to it, it became known as "Alf Laila and Laila" or "Arabian Nights". This book is illustrated by Abul Hasan Ghafari who is often known as Sani al-Mulk. Indeed, He supervised the illustration of a famous "One Thousand and One Nights" manuscript, which can be viewed today in Tehran in the Golestan Palace Library. Common to all the editions of the Nights is the framing device of the story of the ruler Shahryar being narrated the tales by his wife Scheherazade, with one tale told over each night of storytelling. This book includes various symbolic features in the context of legendary narratives both in the narrative and in the illustrations presented.

The following research, using the iconography method in descriptive-analytical research, investigates the visual and surreal characteristics of the “Div” -demons- in the legends of One Thousand and One Nights and the degree of fidelity of the illustrator of the book (Sani al-Mulk) to the text. In this regard, after identifying the visual and surreal characteristics of demons in pictorial and fictional examples, we will compare and classify them; Then we try to investigate the expressive relationship between the supernatural characteristics of “Div”-demons- and the behavioral characteristics of demons in the framework of the theoretical foundations of the research. Also, we intend to evaluate (positive and negative) legendary creatures like demons based on their symbolic identification by referring to visual and verbal evidence. The results of this research show that demons, giants, monsters, goblins, and fairies are all considered to be from the same family, and their positions change according to different situations. The appearance of these creatures does not have the same characteristics in any narrative; These legendary creatures have the ability to change their faces, and the interesting thing is that none of the available evidence indicates the completely negative characteristics of these creatures.

Keywords: Div (Demon), Fairy and Monster, Book of "*One Thousand and One Nights*", Illustration, Iconography, Symbolic study.